

روی دوم سکه کشمکش مجلس و شورای نگهبان

دکتر انور خامه ای

رد طرح سه فوریتی از سوی شورای نگهبان و پذیرش آن از سوی مجلس، نمونه آشکاری از گرایش اکثریت نمایندگان به سازش با شورای نگهبان است

چند ماه پیش پنج نفر نمایندگان بخت برگشته استان گلستان (استان گرگان سابق و استرآباد اسبق) به بلایی گرفتار شدند، هواپیمایی که در آن، همراه با وزیر راه و ترابری، به سوی حوزه انتخابیه خود پرواز می کردند، سقوط کرد و همگی جان باختند. هنوز پس از چندماه رسیدگی و تحقیقات دقیقاً محقق نشده که علت سقوط هواپیما چه بوده، آیا در اثر خرابکاری و سوء قصد سقوط کرده یا نقص فنی در هواپیما موجب آن شده، و در حال مسئول آن که بوده است؟ به هر حال گرچه این حادثه مانند بسیاری حوادث دیگر به دست فراموشی سپرده شده و دیگر کسی از آن یاد نمی کند، اما انتخاب جانشینان نمایندگان متوفی به مهم ترین مسأله روز کشور ما مبدل گردیده است.

طبق قانون انتخابات، هیأت اجرایی وزارت کشور در مورد نامزدهای نمایندگی از مراجع مسؤول، یعنی وزارت اطلاعات، دادستانی کل کشور، سازمان ثبت احوال، اداره تشخیص هویت و پلیس بین المللی استفسار کرده است که آیا پرونده و مسأله ای دارند، تا در صورت پاسخ مثبت از سوی مراجع مزبور صلاحیت آن نامزد رد شود. این نامزدها در پی این استفسار رد صلاحیت می شوند و بقیه برای تأیید صلاحیت آنها به هیأت نظارت شورای نگهبان ارایه می گردند. هیأت نظارت شورای نگهبان ۴۷ نفر دیگر و خود شورای محترم نگهبان نیز ۳ نفر دیگر از آنها (۱) را رد صلاحیت می کنند و اسامی بقیه را برای انجام انتخابات به وزارت کشور

باز می فرستند. رد صلاحیت از این عده کثیر از نامزدها مورد اعتراض وزارت کشور و اکثریت نمایندگان مجلس قرار می گیرد.

مجلس شورای اسلامی در جلسه ۸۰/۸/۲۹ به عنوان رفع تضييع حق جمعی از نامزدان نمایندگی استان گلستان، طرحی سه فوریتی را به تصویب رساند که به موجب آن در صورت بروز اختلاف میان وزارت کشور و شورای نگهبان در مورد صلاحیت بعضی از نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، هیأتی مرکب از رئیس مجمع تشخیص مصلحت، رئیس مجلس شورای اسلامی، دبیر شورای نگهبان و وزیر کشور موضوع را مورد رسیدگی قرار می دهد و دلایل طرفین را در رد یا قبول صلاحیت آن نامزدها مورد بررسی قرار می دهد و در این باره تصمیم نهایی را اتخاذ می کند و در صورت تساوی آرا در این هیأت نسبت به صلاحیت و عدم صلاحیت نامزدی، صلاحیت او شناخته خواهد شد. (۲) شورای نگهبان این مصوبه را رد کرد.

پیش از آن نیز مجلس شورای اسلامی طرح دو فوریتی دیگری را تصویب کرده بود که آن نیز از سوی شورای نگهبان رد شد. مجلس شورای اسلامی در جلسه ۸۰/۸/۳۰ رد طرح های مزبور را پذیرفت و متقابلاً الحاق سه تبصره زیر را به ماده ۵۲ قانون انتخابات مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ تصویب کرد:

۱- برای اثبات واحراز شرایط مندرج در تبصره های ۱، ۲، ۳ و ۵ ماده ۲۵ قانون انتخابات، تنها ابراز کتبی توسط داوطلب و عدم اعلام کتبی و

مستند از سوی مراجع مسؤول (وزارت اطلاعات دادستانی کل کشور، سازمان ثبت احوال، اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل) برای بررسی صلاحیت داوطلبان در محدوده صلاحیت ذاتی کافی می باشد.

۲- رأی گیری در شورای نگهبان برای داوطلبانی که در یکی از مراجع قبلی رسیدگی کننده به صلاحیت داوطلبان، صلاحیت آنها تأیید شده است، برای عدم صلاحیت با حداقل دو سوم رأی کل اعضای شورای نگهبان معتبر است.

۳- انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی در استان گلستان تا تطبیق وضع داوطلبان این قانون به تعویق می افتد و این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجراست (۳).

شورای نگهبان این اصلاحیه در قانون انتخابات را نیز رد کرد و چون مجلس شورای اسلامی در تأیید آن اصرار ورزید، برای تصمیم گیری به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد.

این اختلاف نظر میان شورای نگهبان با اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزارت کشور مسأله تازه ای نیست و سابقه امتدی دارد و همان مسأله نظارت استصوابی است که ما بارها مورد بحث قرار داده ایم. اصل نود و نهم قانون اساسی حاکی است که "شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی را برعهده دارد." شورای نگهبان معتقد است منظور از

نظارت تنها جلوگیری از تخلف‌های انتخاباتی، تقلب در شمارش آراء، ریختن آرای جعلی در صندوق‌ها، تعویض یا مخدوش کردن صندوق‌های رأی‌گیری و امثال آن نیست، بلکه تشخیص صلاحیت اخلاقی و معنوی نامزدها برای احراز وظایف نمایندگی نیز هست و از این رو، حتی کسانی را که هیچگونه سابقه نامناسبی نداشته و حتی سوابق روشنی در راه انقلاب اسلامی داشته‌اند و فداکاری آنها در زمان جنگ تحمیلی و خدمات شایسته آنها به دولت جمهوری اسلامی محرز بوده نیز در گذشته مورد رد صلاحیت قرار داده است. گرچه در گذشته مباحثات مفصلی درباره این نظر شورای نگهبان از "نظارت" صورت گرفته و موافقان و مخالفان دلایل خود را در این باره گفته‌اند، ولی نظام جمهوری اسلامی در مجموع عملاً "نظارت استصوابی" را پذیرفته است، چنانکه در انتخابات رییس جمهوری و نمایندگان مجلس در ادوار اخیر همه نامزدها این مرحله را گذرانده‌اند. با وجود این، گاهی سخت‌گیری

بیش از حد شورای نگهبان موجب تنش و کشمکش می‌شود. مثلاً طرح سه فوریتی که از سوی شورای نگهبان رد شد در حقیقت یک نوع پیشنهاد مصالحه بود، چون در نشست حل اختلاف پیشنهادی مجلس از هریک از طرفین مناقشه دو نفر شرکت داشتند تا در تعیین صلاحیت نامزدها طوری عمل شود که نه سیخ بسوزد و نه کباب. اما شورای نگهبان نشان داد آماده برای پذیرش چنین مصالحه‌ای نیست. حتی در لایحه مصوب مجلس شورای اسلامی که از طرف شورای نگهبان رد و به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد در بنیاد مجلس نظارت دلخواه شورای نگهبان را پذیرفته، منتها محدودیت‌هایی برای آن قایل شده است. من جمله در تبصره دوم الحاقی آرای لازم برای رد صلاحیت بعضی از نامزدها را از سوی شورای نگهبان به دو سوم محدود کرده است. همچنین پذیرفتن رد طرح سه فوریتی که با آن کر و فرّ به تصویب رسیده بود و بسیاری از

مفسران آن را نشانه پافشاری و ایستادگی اکثریت نمایندگان مجلس در برابر شورای نگهبان تلقی می‌کردند، ناگاه همچون حیاتی ترکیب، این نیز نمونه آشکاری از گرایش اکثریت نمایندگان مجلس به سازش با شورای نگهبان است.

علت اصلی این سازشکاری را می‌توان در عدم انسجام و یک پارچگی نمایندگان اکثریت مجلس و حتی در کل جبهه دوم خرداد در درون حاکمیت دانست. مسأله انتخابات استان گلستان این واقعیت را به طور بارزی نشان داد. حوادث آینده معلوم خواهد ساخت که این جبهه قدرت منسجم ساختن خود را دارد یا به صورت گروه‌های متنوعی پراکنده خواهد گشت.

پانویس‌ها:

- ۱- روزنامه ایران به تاریخ ۸۰/۹/۲ ص ۷، ۸ و ۹
- ۲- روزنامه ایران به تاریخ ۸۰/۸/۳۰ ص ۱ و ۲
- ۳- روزنامه ایران به تاریخ ۸۰/۹/۱

